عمل معصومین به استصحاب برای مدیریت امتثال و حفظ نظم

(42:47)

شاگرد۲: عملکرد امام علیه‌السلام هم براساس استصحاب بوده؟

استاد: بله و این کار را هم می‌کردند. اصلاً مشکلی ندارد. نشان می‌دادند. هم عمل به امارات ظنیه را نشان می‌دادند و هم به اصل طهارت. آن استاد این روایت را فرمودند، من یادم نیست که آن را دیده‌ام یا نه. استاد در مکاسب محرمه فرموده بودند؛ امام صادق علیه‌السلام به کسی فرموده بودند وقتی می‌خواهم به بیت الخلاء بروم به لباسم آب می‌زنم، چون وقتی بیرون آمدم اگر آبی به لباسم هست معلوم نباشد که آن وقت بوده یا بعدش بوده است. من یادم نیست که خودم دیده باشم. ولی استاد در درس فرموده بودند. یعنی اصلاً خود امام می‌فرمایند من کاری ندارم، من می‌خواهم طبق ضابطه عمل کنم. قاعده اصالت الطهاره را جاری می‌کنم. لذا آب می‌زنم تا وقتی بیرون آمدم حالم این باشد که به اصل طهارت عمل کرده باشم. یا آن پنیری که حضرت به غلامشان فرمودند برو پنبر بخر و بیاور. به کسی که اشکال می‌کردند فرمودند بیا بخور. با هم آن را خوردند. یعنی عمل خود معصومین به اصول عملیه و به ضوابط امارات ظاهریه جزء مسلمات رفتارشان بوده است. چرا؟ چون خیلی واضح است. اصلاً نظم شرع و بقاء نظم متشرعه به همین ضوابط احکام ظاهریه ای است که متشرعه می‌خواهند عمل کنند. اگر متشرعه مأمور به عمل به واقع بوده بودند، در بسیاری از موارد اختلال نظام پیش می‌آید و به هم می‌ریخت. لذا شارع و حافظ شرع روی این خیلی تأکید می‌کردند. یعنی در ضوابط اجزاء –ما به مدیریت امتثال تعبیر می‌کردیم- در مقام مدیریت امتثال، شارع خیلی مئونه گذاشته تا شرع به اسهل طرق، جلو برود. هم خود شریعت، سهله سمحه است و هم در مقام امتثال که مهمتر است سهولت داشته باشد.

شاگرد: منظور شما از نص شدن چیست؟

استاد: چون فرض گرفتیم که موضوع ثبوتی در اینجا چشم مسلح نیست. حتی اگر با تلسکوپ هم پیدا کنید و بعد ببینید نیست. اهل فن متفق هستند که ثبوتا غروب سهشنبه هلال داشتیم. بله، فقط باید هوا خیلی زلال باشد، بخار و غبار نباشد تا آن را ببینیم.

شاگرد: یعنی نص در چه می‌شود؟

استاد: نص در این می‌شود که امام علیه‌السلام کاری با ثبوت هلال قابل رؤیت با چشم عادی ندارند. نص در این است. فقط با این کار دارند که ای مسلمان! تو چه کار داری به غیوبت بعد الشفق؟! این با استصحاب نمی‌تواند معارضه کند. این اماره نمی‌تواند وارد بر آن بشود. فضا فقط همین است. یعنی فضای تعلیم استصحاب است. فضای این است که اماره غیر معتبره

مثل غیبوبت بعد الشفق نمی‌تواند وارد بر استصحاب بشود. ثبوت چه بوده؟ اصلاً به آن کاری ندارند. نص در این است که کاری با ثبوت ندارند. چون فرض می‌گیریم که ما علم به ثبوت پیدا کرده‌ایم. با این نرم‌افزارها فرض گرفتیم که علم به ثبوت پیدا کردیم. ثبوت این شد که در غروب سه‌شنبه، هلال قابل رؤیت با چشم عادی در آسمان بوده است.

شاگرد: شما با این پیش‌فرض می‌فرمایید که روایت نمی‌خواهد قضا را بگوید. و الّا کسی که روایت را به این صورت معنا می‌کند که قضا معلوم است، طبیعتاً نص در این نمی‌شود. چون امام فرموده‌اند آن بوده ولی ما طبق ظاهر عمل کرده‌ایم و اشکالی ندارد. لذا نص بودن بر این فرض است که این احتمال صفر باشد.

استاد: خود ِعنوان صاحب وسائل را ببینید؛ «باب انه لا عبرة بغیبوبة الهلال». این «لاعبرة» یعنی شما به استصحاب عمل کنید، بعد یک روز قضا کنید؟! معلوم است که ایشان این را نفهمیده‌اند. شما یک نفر را پیدا کنید.

شاگرد: این احتمال را که آقایان دارند. در عبارات حاج آقای شبیری دیدم که اشکال کرده بودند. احتمال جدی داده‌اند که این ادله دال بر نفی امارات غیبوبت بعد الشفق نیست. البته مقصود من فرمایش حضرت عالی بود. یعنی شما که نص گرفتید بر فرضی است که آن احتمال را نگویید. و الّا اگر کسی آن فضا را بگوید نص نمی‌شود.

استاد: حالا من عبارت ایشان را ببینم. در نرم‌افزار جامع فقه فقط کتاب النکاح ایشان هست. در نرم‌افزار جدید کتاب الصوم را گذاشته‌اند. ان شاءالله نگاه می‌کنم. خیلی مطالب شد که باید در اطرافش تحقیق کنیم.

شاگرد۲: امکانیت رؤیت در آن سال، برای ما حاصل است، در آن زمان که حاصل نبود.

استاد: طبق ثبوت همه اهل فن متفق هستند که اگر شرائط عادی بود آن را می‌دیدند.

شاگرد۲: آن موقع اهل فنی بوده تا محاسبه کنند؟

استاد: آقای شعرانی هم گفتند. گفتند طبق محاسباتی که هست امکانیت بوده اما به حسب رؤیت نبوده چون روایت می‌گوید. آقای شعرانی طبق معیار خواجه می‌گویند. خواجه می‌گویند حتما باید ده درجه باشد. آقای شعرانی آن را می‌گویند. اینکه می‌گویند امر متوسط، نمی‌دانم روی چه میزانی است. ولذا امکانیت رؤیت در آن زمان طبق این ضابطه، ثبوتا ثابت است.

شاگرد۲: برای اهل آن زمان ملاک است. یعنی باید برای آن‌ها ثبوتا امکانیت رؤیت بوده باشد.

استاد: چشم با چشم که فرقی نمی‌کند. یعنی الآن برای ما هست، یعنی ما یک وسیله‌ای داریم که مطمئن می‌شویم. آن‌ها هم ثبوتا چه بسا همان زمان شب قبلش دیده باشند و به ما منتشر نشده باشد. اگر این نرم‌افزارها درست باشند تقریباً می‌توان شبه قسم بخوریم که همان غروب سه‌شنبه عده‌ای که حدی البصر بودند یا در مناطق کوهستانی بودند که هوا زلال بوده آن را دیده‌اند.

شاگرد۲: همه این‌ها احتمال است.

استاد: بله، ولی خب نقل نشده است. بغداد کلان شهر بوده، و شهرهای بزرگ دیده نشده است. اما چه بسا در جاهای دیگر دیده باشند. می‌خواهم بگویم طبق نقشه ای که الآن داریم، امکانیت رؤیت که به زمان مربوط نیست. اگر نقشه الآن می‌گویند اگر شرائط فراهم باشد با چشم عادی

می‌توانید آن را ببینید، می‌گوید آن زمان هم می‌توانستند ببینند. نه اینکه آن زمان نمی‌توانستند ببینند. چرا نمی‌توانستند ببینند؟! امکانیت چه فرقی می‌کند؟!

شاگرد۲: اینکه برای عرف محقق بشود امکانیت آن هست.

استاد: آن رؤیت بالفعل می‌شود. نه امکانیت رؤیت. آن چه که شما می‌گویید یعنی رؤیت بالفعل.

شاگرد۲: منجمین محاسبه می‌کنند و می‌گویند امکانش هست. قبل از اینکه وقتش برسد می‌گویند امکانیت رؤیت وجود دارد. حالا ممکن است کسی ببیند یا نبیند. این مشکل ساز می‌شود.

استاد: یعنی روی مبنای آقای تهرانی فرض بگیرید که امام معصوم می‌فرمایند در همین بلد قم امکانیت رؤیت برای اهل بلد هست، ولی ابر هست. یا کسی نرفته ببیند یا رفته‌اند ولی چشم‌ها ضعیف بوده. اگر امام معصوم چنین خبری دادند آقای تهرانی قبول ندارند؟ قبول دارند؛ می‌گویند من امکانیت رؤیت در بلد را قبول دارم. لذا اخبار معصوم در اینجا خوب است. امام می‌گویند در خود این بلد امکانیت رؤیت را داری. ولو به‌هیچ‌وجه بالفعل نشده باشد.

بازبینی #2
ایجاد شده 8 ژانویه 2026 15:49:28 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژانویه 2026 15:54:24 توسط ... .